

## بررسی اثر بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر پرویز پیری\*

وحید حسین پور\*\*

### چکیده

تقسیم سود نقدی، یکی از بحث برانگیزترین مباحث مالی است. با توجه به اهمیت سیاست تقسیم سود شرکت‌ها، بررسی سود قابل اطمینان برای توزیع بین صاحبان سهام و جلوگیری از توزیع سود موهوم یکی از موضوعات بسیار مهم می‌باشد. این مقاله به پیروی از مطالعه لاوسون و وانگ (۲۰۱۴) و کاسکی و هالون (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود با سود هر سهم مورد نظر حسابرس و مدیریت پرداخته است. برای بررسی موضوع با استفاده از روش بررسی میدانی اطلاعات واقعی ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ استخراج و مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها بیانگر بیشتر بودن قدرت توضیح دهندگی سود مورد نظر حسابرس، نسبت به سود هر سهم مورد نظر مدیریت، در تقسیم سود می‌باشد. همچنین، نتایج نشان داد که بین سود هر سهم مد نظر حسابرس و سود هر سهم مد نظر مدیریت اختلاف معناداری وجود ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** سود هر سهم، گزارش حسابرس، سیاست تقسیم سود.

\* استادیار حسابداری، دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد و مدیریت.

\*\* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه.

نویسنده مسئول مقاله: پرویز پیری (Email: p.piri@urmia.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۵

## مقدمه

سیاست تقسیم سود، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در مدیریت مالی است؛ زیرا سود تقسیمی بیانگر پرداخت‌های نقدی عمده شرکت‌ها و یکی از مهمترین گزینه‌ها و تصمیمات فراروی مدیران به شمار می‌رود. به رغم اینکه پرداخت سود تقسیمی مستقیماً سهامداران را بهره‌مند می‌سازد، توانایی شرکت در انباشت سود به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۸۹). لاوسون و وانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) نشان دادند تقسیم سود نقدی با ارزیابی حسابرسان از فرایند حسابرسی و دستکاری سود رابطه معناداری دارد. همچنین، کاسکی و هالون<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) نشان دادند هرچه احتمال دستکاری سود بالاتر باشد، ارزیابی حسابرسان از کیفیت سود تقسیمی پایین‌تر خواهد بود.

مقوله سیاست تقسیم سود از دیدگاه‌های مختلف قابل بحث است. از منظر تئوری نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد بالقوه‌ای است که میان منافع مدیران و سهامداران وجود دارد. پرداخت درصد قابل توجهی از سود، یکی از مکانیزم‌های کنترلی سرمایه‌گذاران به منظور تعدیل این تضاد منافع است؛ زیرا سود سهام نقدی مدیریت را وادار می‌سازد تا:

۱. برای پرداخت سود نقدی به اندازه کافی وجه نقد ایجاد نماید؛
  ۲. برای تأمین مالی پروژه‌های خود به بازار سرمایه مراجعه نموده و اطلاعات بیشتری را در اختیار بازار قرار دهد؛ و
  ۳. باعث کاهش جریان وجه نقد مازادی شود که به دلیل عدم استفاده مدیریت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور، هدر می‌رود (کاسکی و هالون، ۲۰۱۳).
- پرداخت سود سهام به صاحبان سهام عادی، یکی از راه‌هایی است که شرکت می‌تواند بدان وسیله مستقیماً بر ثروت سهامداران اثر بگذارد. بنابراین، هدف از اجرای چنین سیاستی تعیین نقشی است که این سیاست در به حداکثر رساندن ثروت سهامداران ایفا می‌کند. این سیاست در طول فرآیند برنامه‌ریزی اتخاذ می‌شود و بخشی از استراتژی بلندمدت سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت است که به طور همزمان تدوین می‌شوند (رمضان‌زاده زیدی، ۱۳۸۸). اعلامیه‌های مربوط به میزان سود تقسیمی به خوبی در رسانه‌ها ثبت و

مستندسازی می‌شوند؛ زیرا بسیاری از سرمایه‌گذاران آن را مهم تلقی می‌نمایند و برنامه‌های خرید سهام خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند، در نتیجه، تصمیم‌گیری یا پیشنهاد در مورد پرداخت سود تقسیمی، ممکن است موضوع بحث برانگیزی در مدیریت هر یک از شرکت‌ها باشد، چون درباره دو موضوع مهم تأمین مالی بلند مدت شرکت و حداکثرسازی ثروت سهامداران تصمیم‌گیری می‌شود (یحیی‌زاده‌فر و عمادی، ۱۳۹۰).

با توجه به مقوله جدایی مالکیت از مدیریت، بحث حاکمیت شرکتی و همچنین، تئوری‌های مطرح شده مرتبط با آن از قبیل تئوری نمایندگی، تئوری ذینفعان و دیگر تئوری‌ها، نیاز به رسیدگی و حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌ها کاملاً ضروری است. حسابرسی، برای صورت‌های مالی گزارش شده ارزش افزوده فراهم می‌کند؛ زیرا نتایج بررسی مربوط بودن و قابلیت اتکای محتوای صورت‌های مالی را گزارش می‌دهد. یک مؤسسه حسابرسی مستقل و با مهارت، قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت‌های مالی مورد رسیدگی بوده و می‌تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تأثیرگذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی قابل اتکایی گزارش شود. رسیدن به این هدف مطلوب، به خصوصیات مؤسسات حسابرسی کاملاً وابسته بوده و این خصوصیات می‌تواند به شکل مثبت یا منفی با کیفیت حسابرس در ارتباط باشد (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

در دنیای واقعی، دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی در دوره‌هایی اتفاق می‌افتد که معمولاً با زمان وقوع معاملات و رویدادهای ایجادکننده آن‌ها متفاوت است و همین امر، باعث می‌شود تا استفاده از اقلام تعهدی (فرض تعهدی) برای اندازه‌گیری نتایج عملکرد واحد تجاری، بهتر از اندازه‌گیری خالص دریافت‌های نقدی شود. اما مسأله این است که اقلام تعهدی برخلاف اقلام نقدی با درجه‌ای از ابهام همراه هستند که باعث کاهش قابلیت اتکای آن‌ها می‌شود (محمدزادگان، ۱۳۸۵). اما در این میان، با توجه به مسأله تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت، اقلام تعهدی ارائه شده در صورت‌های مالی می‌تواند به وسیله مدیران دستکاری شده و قابلیت اتکای آن‌ها زیر سؤال رود. یکی از راه‌های مؤثر در کنترل دستکاری اقلام تعهدی توسط مدیریت و اعمال نظرهای مدیریت در انتخاب رویه‌های حسابداری، فرآیند حسابرسی است (ابراهیمی کردلر و سیدی ۱۳۸۷).

شرکت‌ها با برگزاری مجامع سالانه، اقدام به ارائه گزارش عملکرد و درخواست تصمیم‌گیری در مورد برخی از امور شرکت می‌کنند. در اکثر اوقات، یکی از بحث برانگیزترین مباحث مجمع، تصمیم‌گیری پیرامون تقسیم سود نقدی است. به این دلیل که سهامداران برای دریافت بازده نقدی سرمایه‌گذاری خود، پیشنهاد توزیع حداکثری سود را ارائه می‌کنند و در مقابل، مدیران شرکت‌ها برای جبران کمبود نقدینگی و جلوگیری از خروج منابع مالی، تمایلی به تقسیم سود ندارند؛ زیرا تأمین مالی از محل سود انباشته بسیار سهل‌تر از تأمین مالی از طریق بدهی می‌باشد. در این میان، توجه با اهمیتی به بندهای تعدیلی گزارش حسابرس نمی‌شود. لذا مباحث مختلفی در رابطه با تقسیم سود، از جمله میزان تقسیم سود و زمان پرداخت بین مدیران و سهامداران مطرح می‌شود که در نهایت، تعیین‌کننده سیاست شرکت در مورد تقسیم سود نقدی است (بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۹). ملاک تقسیم سود در ایران، پیشنهاد هیأت مدیره است که بر مبنای سود هر سهم گزارش شده در صورت‌های مالی انجام می‌شود. از طرف دیگر، سود با توجه به بندهای شرط گزارش حسابرس می‌تواند با نظر حسابرس متفاوت باشد (لاوسون و وانگ، ۲۰۱۴). به این ترتیب تحقیق حاضر به بررسی ارتباط بندهای عدم توافق گزارش حسابرس و ادعاهای مدیریت مندرج در صورت‌های مالی و تأثیر آن بر سیاست تقسیم سود می‌پردازد. با عنایت به آنچه اشاره شد، مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که از بین «سود گزارش شده توسط مدیریت» و «کیفیت سود مورد نظر حسابرس» کدام یک تأثیر بیشتری بر سیاست تقسیم دارد؟ و آیا اختلاف معناداری بین سود هر سهم مدنظر مدیریت و حسابرس وجود دارد؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی نویسندگان، در گزارش حسابرس مستقل شرکت‌های بورسی اغلب کشورهای پیشرفته (برخلاف گزارش حسابرسی در ایران)، در مبانی اظهار نظر حسابرس معمولاً اشکالات ناشی از تحریف صورت‌های مالی که منجر به ارائه بیشتر یا کمتر از واقع سود و زیان شده باشد، وجود نداشته است. این در حالی است که در ایران و در بسیاری از شرکت‌ها علی‌رغم انعکاس اشکالات مربوط به تحریف در صورت‌های مالی، مجامع در

اتخاذ سیاست تقسیم سود نقدی توجهی به آن‌ها ندارند که به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت تأمین منابع مالی یکی از مسایلی است که بیشتر در کشور ما صدق می‌نماید. با این توضیح در این قسمت، مطالعات نزدیک به تحقیق حاضر در دو بخش مطالعات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مطالعات خارجی

لاوسون و وانگ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان «آیا سود تقسیمی شرکت‌ها، حساب‌بران را نسبت به کیفیت سود صاحبکاران آگاه می‌سازد؟» نشان دادند تقسیم سود نقدی با ارزیابی حساب‌بران از نتایج حسابرسی آنان و دستکاری سود، رابطه معناداری دارد. همچنین، آنان نشان دادند که تقسیم سود نقدی به میزان بیشتر بیانگر اطمینان بیشتر حساب‌بران مذکور نسبت به عدم مدیریت سود (عدم وجود بندهای تعدیلی سود با اهمیت مثبت و منفی) می‌باشد.

کاسکی و هالون (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان سیاست تقسیم سود تحت تأثیر تقلب حسابداری، نشان دادند که چنانچه صاحبکاران حسابرسی در مورد پرداخت سود به دنبال تقلب، اشتباه یا هموارسازی سود باشند، این کار آنان به حساب‌بران پیام‌های مناسبی پیرامون اهداف مدیریت در دستکاری سود ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، آنان نتیجه گرفتند زمانی که مخاطره دستکاری سود به میزان با اهمیتی وجود داشته باشد، حساب‌بران احتمال گمراه کننده بودن صورت‌های مالی را بالاتر ارزیابی می‌کنند.

کانسلر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) طی مطالعه‌ای، ۱۰۹۲ شرکت آمریکایی را که طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ اقدام به تقسیم سود نقدی کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با بررسی توان مقایسه‌ای سود هر سهم و وضعیت نقدی شرکت‌ها دریافتند وضعیت نقدی در مقایسه با عایدی هر سهم، به نحو بهتری سیاست تقسیم سود شرکت‌ها را تبیین می‌نماید. چای و چانگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) با انجام مطالعه‌ای در هفت کشور به بررسی رابطه بین عدم اطمینان جریان نقدی و سیاست تقسیم سود شرکت پرداختند. در مطالعه مذکور، اهمیت نسبی عدم اطمینان جریان‌های نقدی به همراه سه عامل دیگر (نسبت مالکیت مدیران، نسبت سود انباشته به حقوق صاحبان سهام و فرصت‌های سرمایه‌گذاری) در تعیین

سیاست تقسیم سود شرکت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از تأثیر منفی و معنادار عدم اطمینان جریان‌های نقدی بر میزان سود تقسیمی توسط شرکت‌ها بود. فودیو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) در تحقیقی در رابطه با سیاست تقسیم سود در ۵۳ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیجریه طی دوره زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲، دریافت که تقسیم سود تابعی از جریان نقدی، سود سال جاری و تقسیم سود سال قبل است. بدارد و جانسون<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی به چگونگی ارزیابی حسابرسان از خطر دستکاری سود توسط مدیریت واحد تجاری و همچنین، خطرات ناشی از ضعف حاکمیت شرکتی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که یک رابطه مثبت قوی بین ریسک دستکاری سود، ساعات برنامه‌ریزی شده و میزان حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. فاما و فرنچ<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) نشان دادند سودآوری و ویژگی‌ای است که بر تصمیم شرکت درباره پرداخت سود تقسیمی نقدی مؤثر است. درآمدهای منفی (زیان‌ها) شدیداً موجب عدم پرداخت سود تقسیمی نقدی می‌شوند. میلر و راک<sup>۸</sup> (۱۹۸۵) دریافتند با استفاده از سود هر سهم، می‌توان در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی، ارزش شرکت‌ها را تعیین نمود. آن‌ها با استناد به این یافته‌ها ادعا نمودند که سود هر سهم می‌تواند شاخص مناسبی برای پیش‌بینی سود تقسیمی هر سهم قلمداد گردد.

### مطالعات داخلی

همانگونه که پیشتر اشاره شد، با توجه به تجربه عینی نویسندگان مقاله، در ایران و در مجامع عمومی اغلب شرکت‌های بورسی، اثر بندهای تعدیلی در سیاست تقسیم سود مدنظر قرار نمی‌گیرند. با این توضیح، به دلیل عدم انجام تحقیق مشابه در ایران، صرفاً مطالعات نزدیک به موضوع حاضر ارائه می‌شود. جامعی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر عملکرد مدیران بر اظهارنظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، به این نتیجه رسیدند که معیارهای سود هر سهم، نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام همگی بر بند اخذ تأییدیه گزارش مشروط حسابرس مستقل تأثیر دارد. با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان بیان داشت که بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش

صدور گزارش مشروط می‌گردد؛ در نتیجه، معیارهای حسابداری عملکرد مدیریت اظهار نظر حسابرس مستقل را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

پورحیدری و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی پایداری خطمشی تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ایرانی از خطمشی ثابت و پایداری پیروی نمی‌کنند و اصلی‌ترین عامل در تعیین میزان تقسیم سود، سود همان سال شرکت است. یافته‌های آن‌ها حاکی از این بود که شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران معمولاً بخش با اهمیتی از سود خالص، هر سال را تقسیم می‌کنند و با تغییر در سود خالص سود تقسیمی نیز تغییر می‌کند. سوادلو (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تاثیر بندهای گزارش حسابرس مستقل بر سود هر سهم، سود نقدی هر سهم و نسبت‌های مالی شرکت‌های گروه صنایع لوازم خانگی و ماشینی‌آلات پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌ها نشان داد که تصمیم‌گیرندگان شرکت‌های مورد بررسی، غالباً به بندهای گزارش حسابرس مستقل در تعیین سود هر سهم و نیز در تقسیم سود، توجه دارند.

اعتمادی و چالاکی (۱۳۸۲) به بررسی رابطه بین معیارهای عملکرد و تقسیم سود نقدی پرداختند. معیارهای عملکرد در این تحقیق سود عملیاتی، سود هر سهم و جریان نقدی عملیاتی بود. نتایج تحقیق نشان داد که میزان سود تقسیمی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به ترتیب، تابعی از میزان سود هر سهم، سود عملیاتی و جریان نقدی است. ملکیان (۱۳۷۹) به بررسی اثرات موارد مطروحه در گزارش حسابرسی و تصمیمات مالی مدیران واحدهای تجاری پرداخت و نتیجه گرفت که اکثر بندهای حسابرسی طی پنج سال به طور تکراری در گزارش حسابرسی درج می‌گردند و مجامع عمومی صاحبان سهام آن‌چنان که شایسته است، به گزارش حسابرسی توجه نمی‌نمایند و به‌طور مؤثر هیأت مدیره را مکلف به رفع موارد اشکال ننموده و تصمیمات خود را بدون توجه به گزارش حسابرس اتخاذ می‌نمایند. موسوی شیری (۱۳۷۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر گزارش حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران پرداخت. نتایج تحقیق وی

نشان داد که اعتبار دهندگان، سهامداران و سرمایه گذاران در تصمیمات مالی به گزارش‌های حسابرسی اتکا می‌کنند و این گزارش‌ها بر کیفیت صورت‌های مالی می‌افزاید. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در زمینه بررسی عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود، پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ لیکن هنوز از مسأله تقسیم سود به عنوان یک معمای حل نشده یاد می‌شود. پژوهش‌گران متعددی پس از چندین دهه بررسی و مطالعه در این خصوص، هنوز به درک کامل تمامی عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود شرکت و چگونگی تعامل بین این عوامل نایل نگردیده‌اند. از سوی دیگر، اشاره به سیاست تقسیم سود به عنوان یکی از ده مسأله حل نشده در حوزه مدیریت مالی نیز مؤید اهمیت و جایگاه این موضوع و لزوم انجام تحقیقات بیشتر برای درک جنبه‌های مختلف آن است. مطابق با تئوری‌ها و شواهد تجربی موجود، تاکنون تحقیقات زیادی در مورد تأثیر سود هر سهم بر سیاست تقسیم سود انجام گرفته است؛ ولی در هیچ کدام از تحقیقات به بررسی شکاف بین سود هر سهم مد نظر مدیریت و سود هر سهم مد نظر حسابرس پرداخته نشده و همچنین، اینکه کدام یک از این سودها در سیاست تقسیم سود بر دیگری برتری دارد، مطالعه ای صورت نگرفته است. با توجه به ادبیات موضوعی مطرح شده و عدم دسترسی به سوابق کاملاً مشابه موضوع در ایران تلاش می‌شود این موضوع برای اولین بار با استفاده از تکنیک‌های اقتصاد سنجی آزمون شود.

### فرضیه‌های تحقیق

همان‌طور که گفته شد، این پژوهش درصدد بررسی تأثیر سود هر سهم و سود مورد نظر حسابرسان مستقل، در تقسیم سود شرکت‌ها است؛ به این ترتیب، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تبیین می‌شوند:

فرضیه اول: سود هر سهم مورد نظر حسابرس در سیاست تقسیم سود نقدی، بر سود مورد نظر مدیریت برتری دارد.

فرضیه دوم: شکاف بین سود هر سهم مورد نظر حسابرس و مدیریت شرکت، معنادار است.



## روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کاربردی با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی و در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که از روش رگرسیون خطی چند متغیره و آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نمونه آماری این پژوهش که با استفاده از روش حذفی سیستماتیک انتخاب شده، شامل ۹۹ شرکت طی دوره‌های مالی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ می باشد. نمونه آماری تحقیق با در نظر گرفتن شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. تاریخ پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار، قبل از سال مالی ۱۳۸۱ باشد.
  ۲. دوره مالی آن‌ها منتهی به اسفند ماه بوده و طی سال‌های مذکور، دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.
  ۳. در هیچ یک از سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ زیان‌ده نبوده و در تاریخ ترازنامه سال‌های مالی مذکور دارای زیان انباشته نباشند.
  ۴. در سال مورد مطالعه، شرکت سود نقدی توزیع کرده باشد.
  ۵. اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت برای دوره مورد بررسی در دسترس باشد.
- با اعمال معیارهای ذکر شده، تعداد ۹۹۰ سال - شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد.

## تعریف عملیاتی و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

با توجه به فرضیه‌های پژوهش، متغیرهای وابسته و مستقل و کنترلی این تحقیق به شرح زیر تعریف می گردند:

**متغیرهای مستقل:** با توجه به پرسش اصلی تحقیق، متغیرهای مستقل شامل عایدی هر سهم و سود هر سهم مورد نظر حسابرس بوده که تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته سنجیده می شود.

الف) عایدی هر سهم ( $EPS_r$ ): عبارت از نسبت سود خالص بعد از مالیات به میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت می باشد که با استفاده از الگوی شماره (۱) محاسبه شده است:

$$EPS_r = \frac{\text{سود خالص پس از کسر مالیات}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}} \quad (۱)$$

ب) سود هر سهم مورد نظر حسابرس ( $EPS_h$ ): عبارت از نسبت سود خالص پس از اضافه یا کسر نمودن اثر بندهای شرط با ماهیت تحریف در سود یا زیان شرکت به میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت می باشد که به طور خلاصه با توجه به رابطه شماره (۲) محاسبه شده است:

$$EPS_h = \frac{\text{هزینه های ثبت نشده از نظر حسابرس - درآمدهای شناسایی نشده از نظر حسابرس + سود شرکت}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}} \quad (۲)$$

**متغیر وابسته:** متغیر وابسته تحقیق، سود نقدی تقسیمی هر سهم می باشد که به شرح زیر قابل اندازه گیری است:

سود نقدی تقسیمی هر سهم ( $DPS$ ): عبارت از سود تصویب شده به منظور پرداخت به سهامداران به میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت:

$$DPS = \frac{\text{سود نقدی پرداخت شده شرکت پس از تصویب}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}} \quad (۳)$$

**متغیرهای کنترلی:** چون در یک پژوهش، اثر تمام متغیرها را بر یکدیگر نمی توان به طور همزمان مورد مطالعه قرار داد، بنابراین، محقق با قرار دادن برخی متغیرهای کنترلی، اثر آنها را خنثی می کند. این نوع متغیرها، متغیر کنترلی نامیده می شوند. براساس بررسی ادبیات موضوعی در ایران، از متغیرهای اثرگذار در انتخاب تقسیم سود، وضعیت بدهی های شرکت، نقدینگی، فرصت های رشد و همچنین، اندازه شرکت است که بر وضعیت مالی و نقدینگی شرکت اثر گذاشته و مدیریت شرکت در پیشنهاد تقسیم سود نقدی به مجمع، به عوامل مذکور توجه می نماید (کانسلر و همکاران (۲۰۱۱)، بنی مهد و اصغری (۱۳۹۰) و

ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۸۹). لذا متغیرهای کنترلی این پژوهش طبق جدول شماره ۱ می‌باشد:

جدول شماره ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای کنترلی پژوهش		
نام متغیر	علامت اختصاری	روش اندازه‌گیری
اندازه شرکت	Size	لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت در پایان سال.
نسبت اهرمی	Debt	حاصل تقسیم مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها.
فرصت‌های رشد	Invest	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت (P/B).
نسبت نقدینگی	Liquidity	نسبت جاری (نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری).

### نتایج آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه شده است. میانگین سود تقسیمی هر سهم و سود هر سهم شرکت به ترتیب ۸۸۳/۴۷ و ۱۷۲۲/۷۵ ریال و انحراف معیار آن‌ها نیز به ترتیب ۴۳۴۳/۱۲ و ۲۱۳۶۴/۴ ریال می‌باشد. بررسی آمار توصیفی شرکت‌های نمونه نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به طور متوسط ۵۱ درصد از سود خود را تقسیم نموده‌اند.

بی‌شک، یکی دیگر از مهم‌ترین استفاده‌هایی که می‌توان از جدول آمار توصیفی داشت، قضاوت در مورد نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌هاست. با استفاده از مقادیر ارائه شده برای چولگی و کشیدگی متغیرها می‌توان به نرمال بودن و یا نرمال نبودن توزیع داده‌ها پی برد، اما تست جارک‌برا آزمونی است که برای این بررسی بیشتر عمومیت دارد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، سطح معناداری هر یک از متغیرها، کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ پس با اطمینان بیش از ۹۵٪ می‌توان گفت این متغیرها دارای توزیع نرمال نیستند.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق و نتایج آزمون جارک برا

نام متغیر	سود تقسیمی	سود هر سهم شرکت	سود هر سهم نظر حسابرِس	فرصت های رشد	اندازه شرکت	نسبت بدهی نسبت جاری
میانگین	۸۸۳/۴۷۰	۱۷۲۲/۷۵۴	۱۲۸۹/۳۷۱	۱۴/۰۳۱	۱۲/۹۴۴	۰/۶۵۵
انحراف معیار	۴۳۴۳/۱۲۰	۲۱۳۶۴/۴۰	۱۱۸۴۸/۲۵	۲۳۲/۴۴۵	۱/۴۳۳	۰/۱۶۹۰
چولگی	۲۹/۰۶۸	۳۱/۲۶۳	۳۱/۰۰۲	۲۳/۴۳۰	۰/۸۲۰	-۰/۵۱۲۴
کشیدگی	۸۸۹/۳۹۳	۹۸۱/۲۳۱	۹۷۰/۳۰۰	۵۶۶/۹۳۹	۴/۶۷۰	۳/۶۶۹
جارک برا	۳۲۵۱۶۳۸۵	۳۹۵۹۴۸۶۲	۳۸۷۱۵۸۰۸	۱۳۱۹۵۸۹۴	۲۲۶/۰۴	۶۱/۷۸۸
احتمال	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
تعداد مشاهدات	۹۹۰	۹۹۰	۹۹۰	۹۹۰	۹۹۰	۹۹۰

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول حاکی از این است که «سود هر سهم مورد نظر حسابرِس در سیاست تقسیم سود نقدی، بر سود مورد نظر مدیریت برتری دارد» که برای آزمون این فرضیه، از مدل رگرسیونی زیر در قالب داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود:

$$DPS_{it} = \alpha + \beta_1 EPS_{it} + \beta_2 FPS_{it} + \beta_3 INVEST_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 DEBT_{it} + \beta_6 LIQUIDITY_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

پیش فرض‌های داده‌های ترکیبی برای آزمون مدل رگرسیونی فوق به شرح زیر انجام شده است:

جدول شماره ۳. آزمون مانایی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	آزمون لین، لیون و چاو		آزمون فلیس پرون	
	آماره F	سطح معناداری	آماره F	سطح معناداری
سود تقسیمی	-۱۲۵/۵۵۷	۰/۰۰۰۱	۵۲۳/۵۸۰	۰/۰۰۰۱
سود هر سهم	۶/۲۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۴۵۶/۹۶۷	۰/۰۰۰۱
سود هر سهم حسابرِس	-۴۱/۱۷۴	۰/۰۰۰۱	۵۰۴/۷۰۵	۰/۰۰۰۱
فرصت‌های رشد	-۲۱/۲۷۷	۰/۰۰۰۱	۳۷۱/۹۸۱	۰/۰۰۰۱
اندازه شرکت	-۱۳/۱۱۷	۰/۰۰۰۱	۳۶۷/۶۱۷	۰/۰۰۰۱
نسبت بدهی	-۱۷/۶۷۸	۰/۰۰۰۱	۳۳۸/۸۴۸	۰/۰۰۰۱
نسبت جاری	-۴۴/۸۸۵	۰/۰۰۰۱	۳۷۸/۴۳۱	۰/۰۰۰۱

### بررسی ایستایی متغیرهای تحقیق

قبل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، پایایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. پایایی متغیرهای پژوهش، به معنای ثابت بودن میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف است. در نتیجه، استفاده از این متغیرها در الگو، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. بدین منظور از آزمون‌های ریشه واحد از نوع آزمون‌های لین، لیون، چاو و فلیس پرون استفاده شده که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۳، نشان می‌دهد که احتمال آماره F برای تمامی متغیرها از ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین، تمامی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند. همچنین، با توجه به مانا بودن متغیرها نیازی به بررسی مانایی بلندمدت متغیرهای تحقیق نمی‌باشد.

### تعیین نوع الگوی داده‌های ترکیبی

هنگامی که از داده‌های ترکیبی برای تخمین و آزمون فرضیه استفاده می‌شود، قبل از هر کار به انجام آزمون F لیمر برای تشخیص نوع روش و نحوه برآورد نیاز است. اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده‌های تلفیقی باشد، تخمین الگو با روش داده‌های تلفیقی انجام می‌شود و اگر نتیجه آزمون نشان‌دهنده استفاده از روش داده‌های تابلویی بود، از آزمون هاسمن برای تشخیص تأثیرات ثابت یا تصادفی بودن الگو استفاده خواهد شد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن به شرح جدول شماره ۴ می‌باشد:

جدول شماره ۴. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره محاسبه شده	سطح معناداری	نتیجه گیری
F لیمر	۴/۲۷۹۴	۰/۰۰۰۱	داده‌های تابلویی
هاسمن	۱۸۸/۷۳۸	۰/۰۰۰۱	الگوی اثرات ثابت

### آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی

یکی دیگر از فروض رگرسیون کلاسیک قبل از آزمون نهایی فرضیه‌های پژوهش، بررسی ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی الگوهای طراحی شده است. با بررسی نتایج

این دو آزمون در جدول شماره ۵، پی می‌بریم که هر دو فرضیه مشکل ناهمسانی واریانس و مشکل خود همبستگی دارند. فرض صفر آزمون ناهمسانی واریانس‌ها مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس‌ها رد می‌شود؛ برای اینکه میزان اهمیت آماره کای دو کمتر از ۵٪ است؛ در نتیجه، برای رفع ناهمسانی واریانس‌ها، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. همچنین، فرض صفر آزمون خود همبستگی مبنی بر عدم وجود خود همبستگی نیز رد می‌شود؛ برای اینکه میزان اهمیت آماره F کمتر از ۵٪ سطح اطمینان است، در نتیجه، برای رفع وجود خود همبستگی، با توجه به اینکه فرضیه دارای الگوی داده‌های پانلی به شکل اثرات ثابت هست، پارامتر  $AR(1)$  به الگو اضافه خواهد شد.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی

نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه گیری
ناهمسانی واریانس	۲۳۴۸/۹۶	۰/۰۰۰۱	وجود دارد
خود همبستگی	۱۰/۸۷۳	۰/۰۰۱۴	وجود دارد

### نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول در حالت الگوی اثرات ثابت و به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (به علت وجود مشکل ناهمسانی واریانس‌ها) و همچنین، با اضافه کردن پارامتر  $AR(1)$  (به علت وجود خود همبستگی) مورد آزمون قرار داده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول در جدول شماره ۶ آورده شده است. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۹۶٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی توضیح داده می‌شود. همچنین، با توجه به احتمال آماره F نیز می‌توان گفت که الگوی طراحی شده برای آزمون فرضیه در حالت کلی معنادار بوده است. علاوه بر این، نتایج مربوط به آماره دوربین واتسون در بازه مطلوب بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که این نشان می‌دهد با اضافه کردن پارامتر  $AR(1)$  مشکل خود همبستگی از بین رفته است.

نتایج نشان می‌دهد که سود هر سهم مدنظر حسابرسان و مدیریت بر سود تقسیمی شرکت به طور مثبت و معنادار اثرگذار است؛ برای اینکه احتمال آماره t برای هر دو متغیر کمتر از ۵٪ بوده و در نتیجه، فرض صفر این آماره مبنی بر عدم اثر گذاری سود هر سهم

مدنظر حسابرس و مدیریت رد می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که سود هر سهم مد نظر حسابرس به علت دارا بودن ضریب رگرسیونی بالاتر نسبت به ضریب رگرسیونی سود هر سهم مدیریت، از اثر گذاری بیشتری بر سود تقسیمی برخوردار است. به عبارت دیگر، سود هر سهم مدنظر حسابرس بر سود هر سهم مد نظر مدیریت در سیاست تقسیم سود برتری دارد. این نتایج با فرضیه تحقیق سازگار است.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون نهایی فرضیه اول

نام متغیر	ضریب متغیر	آماره <i>t</i>	سطح معناداری
سود هر سهم حسابرس	۰/۴۸۹۱	۱۵/۶۵۶۵	۰/۰۰۰۱
سود هر سهم شرکت	۰/۲۸۲۵	۸/۳۷۵	۰/۰۰۰۱
فرصت های رشد	۰/۰۰۱۲	۰/۰۳۴۴	۰/۹۷۲۵
اندازه شرکت	۱۴/۱۲۹۱	۱/۱۴۳۳	۰/۲۵۳۲
نسبت بدهی	-۱۵۶/۶۳۳۰	-۳/۲۸۴	۰/۰۰۱۱
نسبت جاری	۳/۲۳۸۷	۰/۷۷۹۷	۰/۴۳۵۸
عرض از مبدأ	-۸۹/۲۲۱	-۰/۵۰۷۱	۰/۶۱۲۲
پارامتر $AR(1)$	-۰/۰۰۲۶	-۴/۲۳۶۷	۰/۰۰۰۱
ضریب تعیین		۰/۹۶۶۲	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۶۱۷	
آماره دورین واتسون		۱/۹۵۲۵	
آماره $F$		۲۱۳/۵۹۲۷	
سطح معناداری $F$		۰/۰۰۰۱	

از بین متغیرهای کنترلی، نسبت بدهی اثر منفی معناداری بر سود تقسیمی دارد و سایر متغیرهای کنترلی، ارتباط مستقیمی با سود تقسیمی دارند، ولی این ارتباط معنادار نمی‌باشد.

### نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم حاکی از این است که «شکاف بین سود هر سهم مورد نظر حسابرس و مدیریت شرکت، معنادار است». شکاف بین سود هر سهم مورد نظر حسابرس و مدیریت شرکت با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها به روش نمونه مستقل - آزمون  $t$  تست<sup>۹</sup> مورد

بررسی قرار می‌گیرد. برای این کار ابتدا سود مورد نظر حسابرس و مدیریت گروه بندی شده و سپس، به مقایسه میانگین سود هر سهم در دو گروه پرداخته شد. ابتدا با استفاده از آزمون لون<sup>۱</sup> به برابر بودن یا نابرابر بودن واریانس‌ها پی برده و سپس، به نتیجه گیری می‌پردازیم. فرض صفر این آزمون حاکی از برابر بودن واریانس‌ها است که با مشاهده میزان اهمیت آماره این آزمون در جدول شماره ۷، پی می‌بریم که واریانس دو متغیر نیز با هم برابرند. پس با فرض برابر بودن واریانس‌ها به تحلیل در مورد برابری میانگین سود هر سهم مدنظر حسابرس و مدیریت می‌پردازیم.

فرض صفر آزمون مقایسه میانگین‌ها، مبنی بر مساوی بودن میانگین‌ها است. همانطور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، میزان اهمیت آماره  $t$  نشان می‌دهد که فرض صفر رد شده، (برای اینکه میزان اهمیت این آماره بیشتر از ۵ درصد است) و در نتیجه، اختلاف معناداری بین سود هر سهم مورد نظر حسابرس و مدیریت وجود ندارد. نتایج این فرضیه نشان داد که سود هر سهم حسابرس و مدیریت با هم اختلاف معناداری ندارد. به عبارت دیگر، شکاف بین سود هر سهم حسابرس و مدیریت از نظر آماری زیاد نیست.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها

آزمون لونین برای واریانس‌ها		آزمون $t$ برای نمونه‌های مستقل	
آماره $F$	اهمیت آماره	آماره $t$	اهمیت آماره $t$
۰/۴۶۳	۰/۴۹۶	۰/۵۷۸	۰/۵۷۸
برابری واریانس‌ها		اختلاف میانگین‌ها	اختلاف انحراف معیار
---	---	۴۳۱/۸۴۴	۷۷۶/۴۳۳
نابرابری واریانس‌ها		۴۳۱/۸۴	۷۷۶/۲۲۶

### نتیجه گیری و پیشنهادها

تقسیم سود از دو جنبه بسیار مهم قابل بحث است؛ از یک سو، تقسیم سود عاملی اثرگذار بر سرمایه‌گذاری‌های پیش‌روی شرکت‌ها است. هرچه سود بیشتری تقسیم گردد، منابع داخلی شرکت به‌منظور اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری کمتر خواهد شد و نیاز به منابع مالی خارج از شرکت بیشتر می‌شود که این عامل می‌تواند بر قیمت سهام شرکت‌ها



در آینده تأثیر داشته باشد. از سوی دیگر، بسیاری از سهامداران شرکت خواهان تقسیم سود نقدی هستند؛ از این رو، مدیران (با هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران) همواره باید بین علایق مختلف سهامداران، تعادلی برقرار نمایند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست نداده باشند و هم سود نقدی مورد نیاز بعضی سهامداران را بپردازند. بنابراین، تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران شرکت‌ها اتخاذ می‌شود، بسیار حساس و دارای اهمیت است (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). بررسی مبانی نظری تحقیق نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود، سود هر سهم است و همانطور که گفته شد، با توجه به انگیزه‌های مدیریت، سود هر سهم مدنظر مدیریت می‌تواند متفاوت با سود هر سهم مدنظر حسابرس باشد. به همین دلیل، در پژوهش حاضر به بررسی شکاف بین این دو سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداختیم. نتایج نشان داد سود هر سهم مدنظر حسابرس، تفاوت فاحشی با سود هر سهم مدنظر مدیریت ندارد؛ ولی با این حال، سود هر سهم مدنظر حسابرس بر سود مدنظر مدیریت در سیاست تقسیم سود اثرگذاری بیشتری دارد.

در گزارش حسابرس مستقل شرکت‌های بورسی اغلب کشورهای پیشرفته (برخلاف گزارش حسابرسی در ایران)، در مبانی اظهار نظر حسابرس معمولاً اشکالات ناشی از تحریف صورت‌های مالی که منجر به ارائه بیشتر یا کمتر از واقع سود و زیان شده باشد، وجود نداشته است. این در حالی است که در ایران و در بسیاری از شرکت‌ها، علی‌رغم انعکاس اشکالات مربوط به تحریف در صورت‌های مالی، مجامع در اتخاذ سیاست تقسیم سود نقدی توجهی به آن‌ها ندارند و ملاک تقسیم سود، پیشنهاد هیأت مدیره است که بر مبنای سود هر سهم گزارش شده در صورت‌های مالی انجام می‌شود. نتایج این تحقیق نشان داد که سود مدنظر حسابرس اثرگذاری بیشتری بر سیاست تقسیم سود دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مجمع عمومی صاحبان سهام با در نظر گرفتن بندهای شرط حسابرس و تعدیل سود هر سهم بر اساس بندهای تحریف صورت‌های مالی ارائه شده در گزارش، اقدام به تقسیم سود کنند.

با توجه به نتایج این پژوهش، توصیه‌های زیر برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌گردد:

- بررسی ارتباط بین وجود بندهای محدودیت در رسیدگی و ابهام حسابرس با تقسیم سود واقعی پس از تصویب مجمع؛
- بررسی ارتباط بین سیاست تقسیم سود و محافظه کاری شرطی و غیر شرطی؛ و
- بررسی ارتباط بین سیاست تقسیم سود و ساختار مالکیت شرکت‌ها.

#### یادداشت‌ها

- |                              |                        |
|------------------------------|------------------------|
| 1. Lawson and Wang           | 2. Caskey and Hanlon   |
| 3. Consler                   | 4. Chay and Jung       |
| 5. Fodio                     | 6. Bedard and Johnston |
| 7. Fama and French           | 8. Miller and Rock     |
| 9. Independent Sample t-test | 10. Leven Test         |

#### منابع و مأخذ

- اعتمادی، حسین و چالاکی، پری. (۱۳۸۴)، رابطه بین عملکرد و تقسیم سود نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲ (۳۹): ۴۷-۳۹.
- ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سید عزیز، (۱۳۸۷)، نقش حسابرسان در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۵ (۵۴): ۱۶-۳.
- ایزدی نیا، ناصر؛ سلطانی، اصغر و علینقیان، نسرين. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰ (۲۶): ۱۳۹-۱۵۵.
- بنی مهد، بهمن و اصغری، علی. (۱۳۹۰). بررسی اثر اهرم شرکت بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۴ (۱۰): ۱۸-۱.
- پورحیدری، امید؛ محمدی، امیر و رحیمی، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی پایداری خط مشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱ (۱): ۹۶-۱۱۱.

- جامعی، رضا؛ هلشی، مهران و حاجی عیدی، عبدالله. (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر عملکرد مدیران بر اظهار نظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۹ (۴): ۱-۱۴.
- حساس یگانه، یحیی، (۱۳۹۰)، *فلسفه حسابرسی*، چاپ چهارم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رمضان زاده زیدی، عباس، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر تأسیسات تقسیم سود شرکت‌های شیمیایی و دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه مدیریت*، ۶ (۱۶): ۸۰-۸۷.
- ستایش، محمد حسین و کاظم نژاد، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱ (۱): ۲۹-۵۱.
- سوادلو، مهدی. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر بندهای گزارش حسابرس مستقل بر سود هر سهم، سود نقدی هر سهم و نسبت‌های مالی شرکت‌های گروه صنایع لوازم خانگی و ماشین آلات پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- بورس اوراق بهادار تهران، (۱۳۸۹). *گزارش آسیب‌شناسی سیاست تقسیم سود*. معاونت مطالعات اقتصادی و توسعه بازار.
- محمدزادگان، اکبر. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت اتکای اقلام تعهدی با پایداری سود و قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی «ره».
- ملکیان، محمد حسن. (۱۳۷۹). بررسی اثرات موارد مطروحه در گزارش حسابرسی و تصمیمات مالی مدیران واحدهای تجاری. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- موسوی شیری، محمود. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران. *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس.
- یحیی‌زاده فر، محمود و عماد، سیدمهدی. (۱۳۹۰). رابطه میان جریان نقدی آزاد، وضعیت سودآوری و میزان سود تقسیمی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بررسی اوراق بهادار*، ۴ (۱۴): ۱۸۷-۲۰۱.

- Bedard, J.C., and Johnston, K.M., (2004). Earnings manipulation risk corporate governance risk, and auditors, planning and pricing decisions. *Accounting Review*, 79 (2): 277-304.
- Caskey, J. and Hanlon, M., (2013). Dividend policy at firms accused of accounting fraud. *Contemporary Accounting Research*. 30( 2): 818-850.
- Chay, J.B, and Jung, W.S. (2009). Payout policy and cash-flow uncertainty. *Journal of Financial Economics*, 93 (1): 88-107.
- Consler, J., Lepak, G.M. and Havranek, S.F., (2011). Earnings per share versus cash flow per share as predictor of dividends per share. *Managerial Finance*, 37 (5): 482 – 488.
- Lawson, B. and Wang, D. (2014). Do dividends inform auditors about clients' earnings quality? Evidence from Audit Pricing. *Working Paper*. Oklahoma State University.
- Fama, E.F., and French K.R., (2001). Disappearing dividend: changing firm characteristics or lower propensity to pay?. *Journal of Financial Economics*, 60 (1): 3-43.
- Fodio, M.I., (2009). The dividend policy of firms quoted on the Nigerian stock exchange. an empirical analysis. *African Journal of Business Management*. 3 (10): 555-566.
- Miller, M.H., and Rock, K., (1985). Dividend policy under asymmetric information. *Journal of Finance*, 40 (4): 1031-1051.